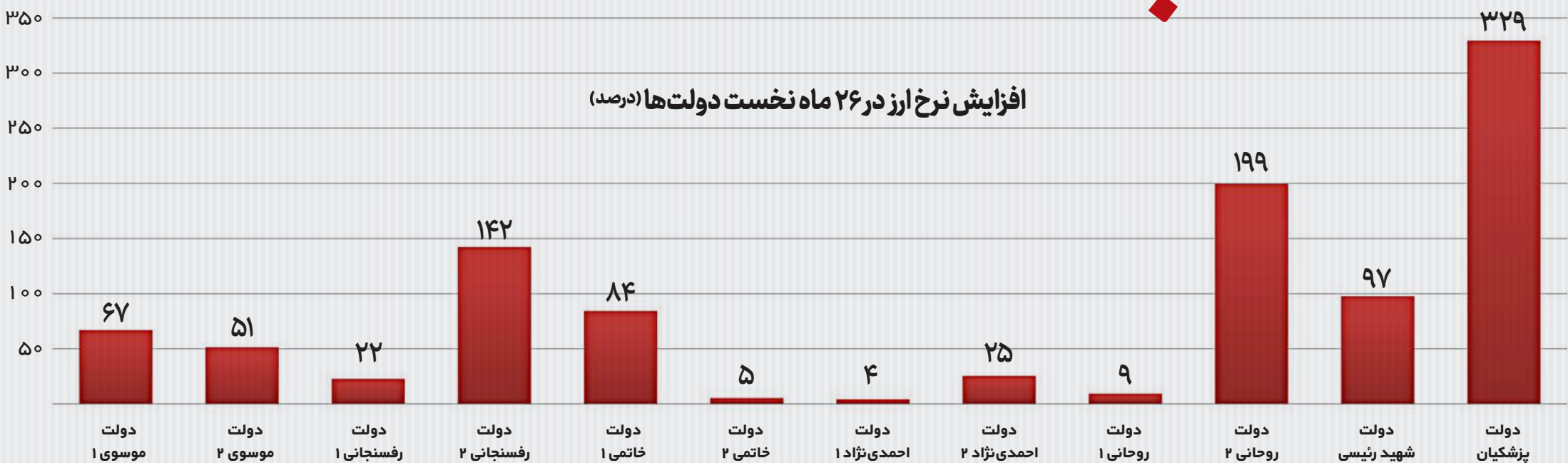


پیام تبریک رهبر انقلاب در پی قهرمانی تیم ملی کشتی آزاد زیر ۲۳ سال در مسابقات جهانی

مقایسه عملکرد دولت‌ها در کنترل نرخ ارز در ۲۶ ماه نخست فعالیت

رکورد پزشکیان در گرانی ارز



۱۰ پیشنهاد فوری برای مهار نرخ ارز در فرصت باقی‌مانده دولت پزشکیان؛

- توقف سیاست جبران کسری بودجه از مسیر گران کردن ارز
- مهار رشد نقدینگی به طور شفاف، نه با سانسور آمار
- افزایش واقعی عرضه ارز صادراتی
- توقف افزایش نرخ ارز رسمی و ایجاد یک ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی تا پایان جنگ
- بازنگری در شیوه کالابرج و بازگشت به کوپن
- مدیریت بازار ارز به جای مداخله مقطعی و نمایشی و ممنوعیت مواضع مخرب
- ایجاد هماهنگی واقعی میان دولت، بانک مرکزی، دستگاه قضا و مجلس
- کاهش تقاضای سفته‌بازانه از مسیر سیاست‌های اقتصادی معتبر مثل قانون اخذ مالیات از سوداگری
- کاهش ریسک سیاسی و تسهیل تجارت خارجی با تمرکز بر روابط با روسیه، چین و همسایگان به جای مذاکره با آمریکا
- ممنوعیت واردات کالاهای غیر ضروری و لوکس تا پایان جنگ

پیام تبریک رهبر انقلاب

در پی قهرمانی تیم ملی کشتی آزاد زیر ۲۳ سال در مسابقات جهانی

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در پیامی قهرمانی و افتخار آفرینی تیم امید کشتی آزاد در مسابقات جهانی آمریکا را به مدیران، مربیان، کشتی گیران غیور تیم و ملت بزرگ ایران به خصوص نسل جوان قهرمان میهن تبریک گفتند. متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

قهرمانی تیم ملی زیر بیست و سه سال کشتی آزاد جمهوری اسلامی ایران در مسابقات جهانی، دل‌ملت بزرگ و قدرشناس ایران را لبریز از شادی و افتخار کرد. این موفقیت که با کسب ۹ مدال رنگارنگ همراه بود همچون قهرمانی اخیر تیم امید کشتی فرنگی نتیجه برنامه ریزی، مدیریت و تلاش بی‌وقفه مدیران، مربیان فداکار، و جوانان قدرتمند و غیور کشور است. به این عزیزان به خصوص نسل جوان قهرمان میهن و ملت سرافراز ایران تبریک می‌گویم.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای | ۲۷ مهر ۱۴۰۵

تخریب معاون سابق بانک مرکزی به بهانه مصاحبه با چارسوق

بعد از مصاحبه افشاگرانه پیمان قربانی، معاون سابق بانک مرکزی با روزنامه چارسوق و انتقاد این مقام مسئول سابق از کاهش ارزش پول ملی و نقش عبدالناصر همتی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی در افزایش قیمت ارز، در روزهای گذشته عده‌ای از رسانه‌های نزدیک به همتی اقدام به تخریب پیمان قربانی کردند. این رسانه‌ها سعی کردند با انداختن قصصی در موضوع مشکلات موسسه ملل به گردن معاون سابق بانک مرکزی سخنان او را بی اعتبار جلوه دهند؛ این در حالی است که الان یک سال است که هیات سرپرستی در موسسه ملل مستقر است و با همکاری نهادهای نظارتی به تخلفات در حال رسیدگی هستند. بسیار بعد است قربانی که حدود ۱۰ سال سابقه معاونت اقتصادی بانک مرکزی در دولت‌های مختلف

را داشته و اصولاً فرد سیاسی نیست و حتی معاون خود عبدالناصر همتی در بانک مرکزی هم بوده است، انتقادات مغرضانه‌ای از سیاست‌های ارزی و نحوه مدیریت بانک مرکزی کرده باشد. آقای همتی اگر فکر کرده که با تخریب منتقدان می‌تواند بر سیاست‌های اقتصادی ویرانگر خود سربوش بگذارد، باید بداند که نمی‌تواند در مقابل نور حقیقت، با ابزار تخریب مقابله کند. سیاست‌های مخرب همتی آنقدر خسارت بار بوده که اعتراض جمع‌کنشیری از کارشناسان و نمایندگان رادر پی داشته است. لازم است به جای تخریب و ارباب‌منتقدان، آقای همتی به انتقادات پاسخ‌مستدل بدهند. در پایان از عبدالناصر همتی دعوت می‌کنیم درباره رابطه کارش با آقای جواد، مدیرعامل پیشین مؤسسه ملل و همچنین زمینه‌های همکاری‌شان در انتخابات ۱۴۰۰ و رویدادهای مربوط به استیضاح در سال ۱۴۰۳ توضیح دهد و دیدگاه خود را برای مخاطبان روشن کند.



اروپا تاوان حمایت از جنگ علیه ایران را می‌دهد



از خیابان‌های پاریس ورم تالیسبون و مادرید، مردم علیه گرانی بر خاستند. قیمت انرژی و تنش در تنگه هرمز، فشار بر معیشت اروپایی‌ها را دوچندان کرده است. هر بمبی که در خاورمیانه فرود می‌آید، در نهایت به جیب خانواده‌های ما برخورد می‌کند. جنگ یک اشتباه فوق العاده سنگین است و اروپا بهای جنگی را می‌پردازد که آغاز گران نبوده است؛ این را پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا گفته است. بهای گاز طبیعی در بازار اروپا به ۸۹.۵۷ یورو به ازای هر مگاوات ساعت رسیده است؛ بالاترین سطح از پایان ۲۰۲۲ و بیش از ۱۵۰ درصد بالاتر از ابتدای سال. این جهش در آستانه سرما، در حالی رخ می‌دهد که ذخایر گاز اروپا به پایین‌ترین حد خود رسیده و بازار انرژی این قاره شکننده است.

در قلب این بحران، تنگه هرمز قرار دارد. اختلال در کشتیرانی این آبراه راهبردی به دنبال تجاوز نظامی آمریکا علیه ایران، نزدیک به ۲۰ درصد صادرات گاز طبیعی

ماهی قطر و امارات را مختل کرده است؛ محموله‌هایی که بخشی از آنها به بازارهای آسیایی می‌رفت و اکنون رقابت برای جایگزینی آنها، تلاش اروپا برای پر کردن مخازن پیش از زمستان را دشوار کرده است.

به بیان روشن، تنش آفرینی واشنگتن در غرب آسیا، هزینه انرژی را برای متحدان اروپایی بالا برده و اروپایی که هنوز زخم شوک انرژی ۲۰۲۲ را درمان نکرده، دوباره در معرض شوک قیمتی است.

امانتگاه هرمز و جنگ، تنها عامل نیستند. سه ضلع دیگر نیز در شکل‌گیری این بحران نقش دارند، سیاست کنار گذاشتن انرژی اژان روسیه که هزینه تأمین انرژی را ساختاری بالا برده؛ بدهی عمومی سنگین و فضای مالی محدود دولت‌ها که توان حمایت گسترده از خانواده‌ها را کاهش داده و اولویت یافتن هزینه‌های دفاعی و کمک به اوکراین در بودجه‌های ملی، در شرایطی که بخشی از افکار عمومی خواستار بازگشت این منابع به معیشت و خدمات عمومی است.

تنها کارخانه‌ای که در دولت پزشکیان رونق دارد، چاپخانه بانک مرکزی است.

۲۴ ساعته تولید می‌کنیم؛ در چاپ پول رکورد زدیم.



چاپخانه بانک مرکزی



مقایسه عملکرد دولت‌ها در کنترل نرخ ارز در ۲۶ ماه نخست فعالیت

رکورد پزشک‌یان در گرانی ارز

۱۰ پیشنهاد فوری برای مهار نرخ ارز در فرصت باقی‌مانده دولت پزشک‌یان

۱- توقف سیاست جبران کسری بودجه از مسیر گران کردن ارز ۲- مهار رشد نقدینگی به طور شفاف، نه با سانسور آمار ۳- افزایش واقعی عرضه ارز صادراتی

۴- توقف افزایش نرخ ارز رسمی و ایجاد یک ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی تا پایان جنگ ۵- بازنگری در شیوه کالابرج و بازگشت به کوپن ۶- مدیریت بازار ارز به جای

مداخله مقطعی و نمایشی و ممنوعیت مواضع مخرب ۷- ایجاد هماهنگی واقعی میان دولت، بانک مرکزی، دستگاه قضا و مجلس ۸- کاهش تقاضای سفته‌بازانه از مسیر

سیاست‌های اقتصادی معتبر مثل قانون اخذ مالیات از سوداگری ۹- کاهش ریسک سیاسی و تسهیل تجارت خارجی با تمرکز بر روابط با روسیه، چین و همسایگان به جای مذاکره با آمریکا

۱۰- ممنوعیت واردات کالاهای غیرضروری و لوکس تا پایان جنگ

همتی و سیاست افزایش نرخ ارز؛ اصلاح بازار با انتقال هزینه به مردم؟

یکی از محورهای مناقشه‌برانگیز سیاست ارزی در دولت پزشک‌یان، این دیدگاه است که نرخ ارز باید به نرخ بازار نزدیک شود و فاصله میان نرخ‌های رسمی و آزاد از میان برود. حامیان این رویکرد، یکسان‌سازی نرخ ارز را راهی برای کاهش رانت، شفافیت تخصیص ارز و محدود کردن فشار بر منابع دولت می‌دانند.

بااین حال، اجرای چنین سیاستی در اقتصاد ایران که با تورم مزمن، محدودیت‌های خارجی و وابستگی بخش‌هایی از تولید به واردات روبه‌روست، مخاطرات جدی دارد.

کسری بودجه؛ چرا گران کردن دلار راه‌حل پرهزینه‌ای است؟

یکی از استدلال‌های مطرح در بحث افزایش نرخ ارز این است که دولت با افزایش نرخ تسعیر ارزهای حاصل از صادرات، می‌تواند درآمد ریالی بیشتری به دست آورد و بخشی از کسری بودجه را پوشش دهد.

برای مثال، اگر دولت مقدار ثابتی از ارز در اختیار داشته باشد، ارزش ریالی آن در نرخ تسعیر بالاتر

افزایش می‌یابد. اما این افزایش درآمد اسمی، به‌معنای ایجاد منابع واقعی جدید نیست.

این سیاست سه محدودیت مهم دارد:

۱- افزایش هزینه‌های دولت: با بالا رفتن نرخ ارز، هزینه ریالی واردات کالاهای اساسی، دارو، تجهیزات و سایر تعهدات ارزی دولت نیز افزایش می‌یابد.

۲- کاهش قدرت خرید درآمدهای اسمی: اگر درآمد ریالی دولت افزایش یابد اما هم‌زمان قیمت کالاهای خدمات رشد کند، قدرت خرید واقعی این درآمدها ممکن است کمتر از تصور اولیه باشد. ۳- انتقال هزینه به جامعه: افزایش هزینه واردات و تولید می‌تواند به افزایش قیمت کالاها، کاهش مصرف خانوار و بالا رفتن هزینه حمایت‌های اجتماعی منجر شود.

بنابراین، اگر افزایش نرخ ارز به‌عنوان راهی برای جبران کسری بودجه انتخاب شود، باید هزینه نوری آن نیز در محاسبات دولت منظور شود. افزایش درآمد ریالی از محل تسعیر ارز، بدون کنترل هزینه‌ها و اصلاح ساختار بودجه، لزوماً به بهبود پایدار وضعیت مالی دولت منجر نخواهد شد.

یکسان‌سازی نرخ ارز؛ حذف رانت به چه قیمتی؟

وجود چند نرخ ارز می‌تواند زمینه‌سوء استفاده، تخصیص غیرشفاف منابع و کسب سودا تفاوت نرخ‌ها را ایجاد کند. این مسئله واقعی است و نمی‌توان ضرورت اصلاح نظام تخصیص ارز را انکار کرد.

اما یکسان‌سازی نرخ ارز دو مشکل متفاوت دارد: ۱. یکسان‌سازی همراه با ثبات اقتصادی: اصلاح تدریجی نرخ‌ها، شفافیت تخصیص ارز، کاهش کسری بودجه، کنترل رشد نقدینگی و حمایت مؤثر از مصرف‌کنندگان.

۲. یکسان‌سازی از مسیر جهش نرخ ارز: نزدیک کردن نرخ‌های رسمی به نرخ بالاتر بازار، بدون آنکه آثار افزایش قیمت کالاهای اساسی و هزینه تولید به‌طور مؤثر جبران شود.

در حالت دوم، ممکن است بخشی از رانت ناشی از تفاوت نرخ‌ها کاهش یابد، اما هزینه کالاهایی که پیش‌تر با ارز ارزان‌تر وارد می‌شدند، افزایش پیدا کند. در این شرایط، حذف رانت برای دولت یا واردکننده الزاماً به معنای منفع مستقیم برای مصرف‌کننده نیست. دولت پزشک‌یان با حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی در دی‌ماه ۱۴۰۴ این شیوه را اجرا کرد که به تحمیل بالاترین تورم ۸۲ سال اخیر به مردم منتهی شد و مبلغ کالابرج هم تکافوی چند برابر شدن قیمت‌ها نیست. مسئله اصلی این نیست که رانت ارزی باید باقی بماند یا حذف شود؛ مسئله این است که آیا اصلاح نظام ارزی به کاهش هزینه‌های اقتصادی و بهبود رفاه عمومی منجر می‌شود یا صرفاً نرخ بالاتر از راه‌بیمای قیمت‌گذاری تبدیل می‌کند. حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی کاملاً به زیان مردم بوده است.

چگونه افزایش نرخ ارز به تورم فراگیر تبدیل می‌شود؟

افزایش نرخ دلار از چند مسیر به قیمت کالاهای و خدمات منتقل می‌شود: الف- **گران شدن کالاهای وارداتی**

گزارش

گزارش مقایسه‌ای؛ کدام دولت در کنترل نرخ ارز موفق‌تر بود؟

دولت پزشک‌یان رکورددار افزایش نرخ دلار در ۲۶ ماه نخست فعالیت و دولت‌های خاتمی و احمدی‌نژاد کمترین رشد ارز را ثبت کردند. بررسی جدول مقایسه عملکرد دولت‌های مختلف در ۲۶ ماه نخست فعالیت نشان می‌دهد که میزان افزایش نرخ دلار در دولت‌های پس از انقلاب تفاوت چشمگیری داشته است. دولت پزشک‌یان با رشد ۳۲۹ درصدی نرخ دلار، بیشترین افزایش را در میان دولت‌های پس از انقلاب ثبت کرده است؛ در حالی که دولت دوم خاتمی با رشد ۵ درصدی و دولت اول احمدی‌نژاد با رشد ۴ درصدی، کمترین افزایش نرخ ارز را تجربه کرده‌اند. این مقایسه نشان می‌دهد که عملکرد دولت‌ها در حفظ ثبات نسبی بازار ارز یکسان نبوده و برخی دولت‌ها در دوره مشابه، افزایش بسیار محدودتری در نرخ دلار داشته‌اند؛ در مقابل، در بعضی دوره‌ها جهش‌های شدید ارزی رخ داده است.

۱. دولت پزشک‌یان؛ بیشترین رشد نرخ دلار
نرخ دلار در آغاز دولت پزشک‌یان ۵۹۴ هزار و ۱۹۰ریال و در ماه بیست‌وششم به ۲ میلیون و ۵۵۰هزار ریال رسیده است.

بر این اساس، دولت پزشک‌یان در مقایسه با سایر دولت‌های پس از انقلاب، بیشترین افزایش نرخ دلار را در ۲۶ ماه نخست فعالیت خود ثبت کرده است. چنین افزایشی به معنای کاهش شدید ارزش ریال در برابر دلار است و می‌تواند از مسیر افزایش هزینه واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و کالاهای مصرفی، فشار بیشتری بر تولید و معیشت خانوارها وارد کند.

۲. دولت‌های احمدی‌نژاد و خاتمی؛ کمترین افزایش ارز

در سوی دیگر مقایسه، دولت اول احمدی‌نژاد با رشد ۴ درصدی و دولت دوم خاتمی با رشد ۵ درصدی نرخ دلار قرار دارند. .

دولت اول خاتمی نیز با رشد ۹ درصدی و دولت دوم احمدی‌نژاد با رشد ۲۵ درصدی، افزایش محدودتری نسبت به دولت‌های دیگر داشته‌اند. این آمار نشان می‌دهد که در دوره‌های مورد اشاره، نرخ دلار در برخی دولت‌ها ثبات نسبی بیشتری داشته است.

کارنامه ارزی دولت‌ها چه می‌گوید؟

رتبه‌بندی دولت‌ها از نظر کمترین افزایش نرخ دلار در ۲۶ ماه نخست فعالیت چنین است: **بهترین عملکرد در این شاخص**؛ دولت اول احمدی‌نژاد با رشد ۴ درصدی.

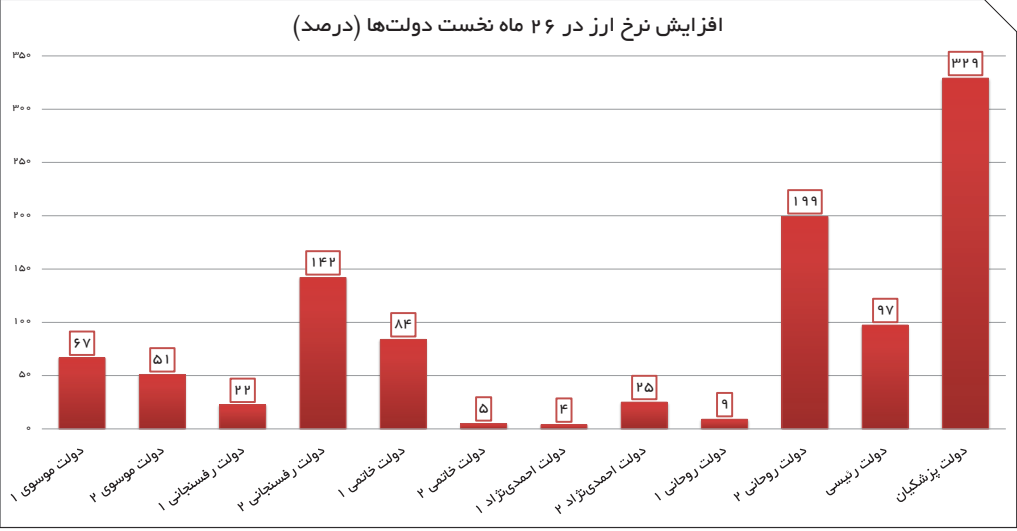
رتبه دوم؛ دولت دوم خاتمی با رشد ۵ درصدی. **رتبه سوم**؛ دولت اول روحانی با رشد ۹ درصدی. **عملکرد ضعیف در میان دولت‌های پیشین**؛ دولت دوم روحانی با رشد ۱۹۹ درصدی و دولت دوم رفسنجانی با رشد ۱۴۲ درصدی.

بیشترین افزایش نرخ دلار؛ دولت پزشک‌یان با رشد ۳۲۹ درصدی.

گرانی ارز؛ هزینه‌سیاستی که از جیب مردم پرداخت می‌شود

افزایش نرخ ارز فقط تغییر قیمت دلار در بازار نیست؛ این اتفاق می‌تواند به موجی از افزایش قیمت کالاهای اساسی، مواد اولیه، دارو، تجهیزات تولید و خدمات تبدیل شود و در نهایت، بخش مهمی از هزینه سیاست‌های ارزی دولت را به خانوارها منتقل کند. در بررسی عملکرد ارزی دولت پزشک‌یان، یکی از محورهای مهم، سیاست‌های ارزی عبدالناصر همتی و دفاع او از یکسان‌سازی نرخ ارز و حذف رانت ناشی از ارز ترجیحی است. منطق مدافعان این سیاست آن است که تعدد نرخ‌ها زمینه‌ساز رانت و افزایش قیمت کالاهای اساسی است. اما پرسش رسمی و بازار می‌تواند شفافیت ایجاد کند و فشار بر منابع ارزی دولت را کاهش دهد. اما پرسش اساسی این است؛ اگر یکسان‌سازی با جهش نرخ ارز همراه شود، هزینه انتقال اقتصاد به نرخ‌های بالاتر چه کسی می‌پردازد؟

برای پاسخ به این میان اهداف اعلام‌شده سیاست، نحوه اجرای آن و پیامدهای اقتصادی قابل اندازه‌گیری تفاوت گذاشت. حذف رانت ارزی به خودی خود تضمین نمی‌کند که قیمت‌ها کاهش یابد؛ همان‌طور که افزایش نرخ ارز نیز لزوماً به همان میزان درآمد پایدار برای دولت ایجاد نمی‌کند.



مقایسه عملکرد دولت‌ها در کنترل نرخ ارز در ۲۶ ماه نخست فعالیت

دولت	تاریخ شروع به کار دولت	نرخ دلار در شروع کار	نرخ دلار در ماه بیست و ششم	درصد رشد
دولت موسوی ۱	آبان ۱۳۶۰	۲۷۰	۴۵۰	۶۷
دولت موسوی ۲	مهر ۱۳۶۴	۶۴۸	۹۷۹	۵۱
دولت رفسنجانی ۱	مرداد ۱۳۶۸	۱۱۹۲	۱۴۶۰	۲۲
دولت رفسنجانی ۲	مرداد ۱۳۷۲	۱۵۹۶	۳۸۶۳	۱۴۲
دولت خاتمی ۱	مرداد ۱۳۷۶	۴۷۳۱	۸۷۰۳	۸۴
دولت خاتمی ۲	مرداد ۱۳۸۰	۷۹۹۴	۸۳۹۶	۵
دولت احمدی‌نژاد ۱	مرداد ۱۳۸۴	۹۰۲۴	۹۲۷۶	۴
دولت احمدی‌نژاد ۲	مرداد ۱۳۸۸	۱۰۰۰۹	۱۲۵۲۱	۲۵
دولت روحانی ۱	مرداد ۱۳۹۲	۳۱۸۰۷	۳۴۶۸۲	۹
دولت روحانی ۲	مرداد ۱۳۹۶	۳۸۱۱۵	۱۱۴۱۰۱	۱۹۹
دولت رئیسی	مرداد ۱۴۰۰	۲۵۵۳۰۹	۵۰۴۰۱۶	۹۷
دولت پزشک‌یان	مرداد ۱۴۰۴	۵۹۴۱۹۰	۲۵۵۰۰۰۰	۳۲۹

جدول مقایسه عملکرد دولت‌ها

رتبه از نظر کنترل ارز	دولت	نرخ دلار در آغاز	نرخ دلار در ماه بیست و ششم	رشد نرخ دلار
۱	احمدی‌نژاد، دولت اول	۹۰۲۴	۹۳۷۶۴	٪۴
۲	خاتمی، دولت دوم	۷۹۹۴۱	۸۳۹۷۹	٪۵
۳	روحانی، دولت اول	۳۱۸۰۷	۳۴۶۸۲	٪۹
۴	رفسنجانی، دولت اول	۱۱۹۲	۱۴۶۰	٪۲۲
۵	احمدی‌نژاد، دولت دوم	۱۰۰۰۸۵	۱۲۵۲۱	٪۲۵
۶	موسوی، دولت دوم	۶۴۸	۹۷۹	٪۵۱
۷	موسوی، دولت اول	۲۷۰	۴۵۰	٪۶۷
۸	خاتمی، دولت اول	۴۷۳۰۵	۸۷۰۲۱	٪۸۴
۹	شهید رئیسی	۲۵۵۳۰۹	۵۰۴۰۱۶	٪۹۷
۱۰	رفسنجانی، دولت دوم	۱۵۹۵۸	۳۸۶۲۹	٪۱۴۲
۱۱	روحانی، دولت دوم	۳۸۱۱۵	۱۱۴۱۰۱	٪۱۹۹
۱۲	پزشک‌یان	۵۹۴۱۹۰	۲۵۵۰۰۰۰	٪۳۲۹

کارگران و حقوق‌بگیران

اگر دستمزد‌ها کمتر از تورم رشد کنند، درآمد البته شدت انتقال نرخ ارز به قیمت نهایی کالاهای یکسان نیست؛ میزان وابستگی به واردات، موجودی انبارها، رقابت بازار، سیاست‌های قیمت‌گذاری و وضعیت تقاضا بر آن اثر می‌گذارند.

خسارت افزایش نرخ ارز؛ چه کسانی بیشترین هزینه را می‌پردازند؟

افزایش نرخ ارز فقط یک بخش خاص مالی نیست؛ پیامدهای آن در توزیع درآمد و سطح رفاه خانوارها نیز نمایان می‌شود.

خانوارهای کم‌درآمد

سهم خوراک، مسکن و سایر نیازهای ضروری از مخارج این خانوارها بالاست؛ بنابراین، افزایش قیمت کالاهای اساسی فشار بیشتری بر بودجه آنها وارد می‌کند. آنها معمولاً امکان جایگزینی کسرتده کالاهای کاهش مخارج ضروری را ندارند.

بودجه عمومی و خدمات اجتماعی

هزینه خریدهای دولتی و تأمین برخی خدمات افزایش می‌یابد. اگر منابع حاصل از تسعیر ارز برای جبران این هزینه‌ها کافی نباشد، فشار بر سایر ردیف‌های بودجه و برنامه‌های حمایتی

بیشتر می‌شود. در نتیجه، کاهش ارزش پول ملی می‌تواند به بازتوزیع درآمد به زیان کسانی منجر شود که درآمد ثابت دارند یا دارایی قابل توجهی برای پوشش تورم در اختیار ندارند. این فرایند، در صورت تداوم و نبود حمایت مؤثر، خطر افزایش فقر و نابرابری را بالا می‌برد.

آیا افزایش نرخ ارز الزاماً به سود صادرات و تولید است؟

یکی از دفاعیات رایج درباره افزایش نرخ ارز این است که دلار گران‌تر، صادرات را رقابتی‌تر می‌کند و تولید داخلی را در برابر کالاهای وارداتی تقویت خواهد کرد.

این اثر در برخی شرایط ممکن است رخ دهد؛ اما نتیجه قطعی نیست. اگر تولیدکننده برای ساخت محصول به مواد اولیه، قطعات یا ماشین‌آلات وارداتی وابسته باشد، هزینه‌های او نیز افزایش می‌یابد. همچنین، بی‌ثباتی شدید نرخ ارز می‌تواند پیش‌بینی هزینه‌ها، عقد قراردادهای بلندمدت و تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری را دشوار کند. از سوی دیگر، اگر رشد قیمت‌ها در داخل بخش بزرگی از مزیت اسمی ناشی از افزایش دلار را از بین ببرد، رقابت‌پذیری واقعی صادرات ممکن است به اندازه رشد نرخ ارز بهبود پیدا نکند. بنابراین، افزایش نرخ ارز به تنهایی سیاست صنعتی یا صادراتی محسوب نمی‌شود. آثران به ساختار تولید، میزان وابستگی به واردات، بهره‌وری، دسترسی به بازارهای خارجی و ثبات اقتصاد کلان بستگی دارد.

افزایش نرخ ارز به تنهایی سیاست صنعتی یا صادراتی محسوب نمی‌شود. آثران به ساختار تولید، میزان وابستگی به واردات، بهره‌وری، دسترسی به بازارهای خارجی و ثبات اقتصاد کلان بستگی دارد.

افزایش نرخ ارز به تنهایی سیاست صنعتی یا صادراتی محسوب نمی‌شود. آثران به ساختار تولید، میزان وابستگی به واردات، بهره‌وری، دسترسی به بازارهای خارجی و ثبات اقتصاد کلان بستگی دارد.

اصلاح ارزی بدون مهار تورم چه نتیجه‌ای دارد؟

بررسی تجربه اقتصاد ایران نشان می‌دهد که کاهش ارزش پول ملی، کسری بودجه، تحریم‌ها و انتظارات تورمی می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند. در چنین شرایطی، سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز اگر بدون اصلاح بودجه، مهار تورم و جبران هدفمند فشار بر خانوارها اجرا شود، ممکن است هزینه‌های سنگینی برای جامعه ایجاد کند همانطور که حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی ایجاد کرد.

در ارزیابی عملکرد دولت پزشک‌یان و سیاست‌های عبدالناصر همتی، پرسش محوری این است که آیا افزایش نرخ ارز توانسته است به کاهش پایدار کسری بودجه، حذف رانت و بهبود تخصیص منابع منجر شود یا بخش مهمی از هزینه اصلاحات به افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید مردم منتقل شده است؟ اگر نرخ ارز افزایش یابد اما تورم مهار نشود و درآمد واقعی خانوارها کاهش پیدا کند، اصلاحات ارزی به هدف اصلی خود، یعنی بهبود عملکرد اقتصاد و رفاه عمومی، نرسیده است.

از انتقاد پزشک‌یان و همتی به دولت رئیسی تا زوم

سیاست ارزی دولت چهاردهم
یکی از نکات قابل توجه در بررسی سیاست ارزی دولت پزشک‌یان، مقایسه مواضع پیشین پزشک‌یان و عبدالناصر همتی درباره عملکرد دولت شهید رئیسی با سیاست‌هایی است که در دولت چهاردهم دنبال کردند. این مقایسه، به‌ویژه درباره ارز ترجیحی و آثار تورمی افزایش نرخ ارز، اهمیت دارد.

همتی در دولت رئیسی؛ انتقاد از تورم و حذف ارز ترجیحی

عبدالناصر همتی در دوران دولت شهید رئیسی، از منتقدان جدی سیاست ارزی آن دولت بود. او در اسفند ۱۴۰۲، در انتقاد از اجرای آنچه جراحی اقتصادی خوانده می‌شد، نوشت که این اقدام با هدف جلوگیری از رانت ارزی انجام شد، اما به

تورم سنگین در کالاهای روزمره از جمله گوشت، مرغ و لبنیات انجامید. او همچنین به برقراری نرخ ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی پس از حذف نرخ قبلی اشاره کرد و درباره تداوم فاصله نرخ ترجیحی و نرخ بازار انتقاد کرد.

این موضع نشان می‌دهد که همتی در آن مقطع، افزایش هزینه کالاهای اساسی پس از حذف ارز ترجیحی را از پیامدهای مهم سیاست ارزی دولت رئیسی می‌دانست.

اما پس از ورود به دولت پزشک‌یان، سیاست نزدیک کردن نرخ‌های رسمی به نرخ بازار و حذف فاصله‌های ارزی به یکی از محورهای اصلی رویکرد او تبدیل شد.

میان انتقاد‌های پیشین او از تبعات حذف ارز ترجیحی و سیاست‌های اجرایی دوره وزارتش و سپس ریاست بانک مرکزی، موضوعی قابل تأمل

برای بررسی و مطالبه پاسخ وجود دارد؛ چگونه می‌توان از تجربه تورمی حذف ارز ترجیحی در دولت قبل درس گرفت، اما اصلاحات ارزی جدید را بدون تحمیل شوک قیمتی به مردم پیش برد؟

همتی در سال ۱۴۰۱؛ با وجود افزایش درآمد نفتی، دلار گران شد

همتی در خرداد ۱۴۰۱، در انتقاد از عملکرد اقتصادی دولت رئیسی، به افزایش پایه پولی، رشد تورم و افزایش نرخ دلار اشاره کرد. او مدعی شد که با وجود افزایش درآمد وصولی نفت و گاز از ۵۰۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ به بیش از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۰، نرخ دلار از حدود ۲۳ هزار تومان به ۳۰ هزار تومان رسیده بود. این انتقاد از آن جهت اهمیت دارد که همتی در آن زمان، افزایش درآمدهای ارزی را دلیلی برای انتظار بهبود وضعیت بازار ارز می‌دانست و از تحقق نیافتن وعده‌های مربوط به کنترل تورم و نرخ دلار انتقاد می‌کرد.

او همچنین درباره آثار حذف ارز ترجیحی هشدار داد و گفت آثار تورمی آنچه جراحی اقتصادی نامیده می‌شد، در آمار ماه‌های بعد نمایان خواهد شد.

پزشک‌یان در دوران انتخابات؛ انتقاد از نحوه توزیع ارز و یارانه‌ها

مسعود پزشک‌یان نیز در جریان رقابت‌های انتخاباتی سال ۱۴۰۳، از شیوه تخصیص منابع و ارز ترجیحی انتقاد کرد. او با استناد به گزارش رئیس کل وقت بانک مرکزی درباره تخصیص ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و ارز با نرخ‌های پایین‌تر از بازار، استدلال می‌کرد که تفاوت نرخ‌ها زمینه ایجاد رانت را فراهم کرده است.

پزشک‌یان همچنین در مناظره انتخاباتی ۳۱ خرداد ۱۴۰۳، درباره حذف ارز ترجیحی دارو و لزوم پرداخت معادل ریالی آن به مردم و بیماران سخن گفت و از تخصیص نیافتن منابع پیش‌بینی شده برای حمایت از بیماران انتقاد کرد.

از انتقاد به تورم‌زایی اصلاحات ارزی تا اجرای سیاست یکسان‌سازی

مقایسه مواضع همتی در دولت رئیسی با سیاست‌های دوره وزارت او در دولت پزشک‌یان، یک پرسش مهم درباره نحوه اجرای اصلاحات ارزی مطرح می‌کند.

همتی در دولت قبل، حذف ارز ترجیحی را با افزایش تورم کالاهای اساسی مرتبط می‌دانست؛ اما در دولت چهاردهم، از نزدیک شدن نرخ‌های رسمی به نرخ بازار دفاع کرد. در آذر ۱۴۰۳ نیز او با اشاره به تورم حدود ۳۰ درصدی گفت حفظ نرخ ارز ثابت در چنین شرایطی ممکن نیست و نرخ بازار را بازتاب‌دهنده واقعیت معاملات ارزی دانست؛ اظهاراتی که در فضای پر تنش بازار از بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد.

در مقابل، پزشک‌یان در اسفند ۱۴۰۳، هنگام دفاع از همتی در برابر استیضاح، تأکید کرد که تصمیمات اقتصادی در شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا اتخاذ می‌شود و مقصد دانستن یک فقر را منصفانه ندانست.

بنابراین، مسئولیت سیاست ارزی دولت چهاردهم را نمی‌توان صرفاً به شخص همتی محدود کرد؛ رئیس‌جمهور، بانک مرکزی و سایر نهادهای تصمیم‌گیر نیز در تعیین چارچوب سیاست‌ها نقش دارند.

انتقاد‌های پیشین پزشک‌یان و همتی از عملکرد اقتصادی دولت شهید رئیسی، به‌ویژه درباره تورم، ارز رانت‌ها کم‌کم کند، اما بدون مهار تورم، اکنون می‌تواند مبنای مطالبه پاسخ درباره نتایج سیاست‌های ارزی دولت چهاردهم باشد.

پرسش اصلی این است: اگر افزایش نرخ ارز و حذف ارز ترجیحی در دولت قبل به افزایش هزینه کالاهای اساسی منجر می‌شد، چرا در اجرای سیاست‌های مشابه در دولت پزشک‌یان، مهار پیامدهای تورمی و حفاظت از قدرت خرید

مردم باید در اولویت قرار نگرفت؟

یکسان‌سازی نرخ ارز ممکن است به کاهش برخی رانت‌ها کمک کند، اما بدون مهار تورم، اصلاح کسری بودجه، شفافیت تخصیص ارز و حمایت مؤثر از خانوارها، خطر آن وجود دارد که هزینه اصلاحات از طریق افزایش قیمت‌ها به مردم منتقل شود.

معیار نهایی موفقیت سیاست ارزی، نه صرفاً حذف فاصله نرخ‌ها و افزایش درآمد ریالی دولت، بلکه ثبات بازار ارز، مهار تورم، حفظ قدرت خرید و کاهش هزینه‌های معیشتی مردم است.



چرخه گرانی و رکود در بازار لوازم خانگی

ایسنا- افزایش هزینه‌های تولید، نوسان قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید خانوارها، بازار لوازم خانگی را با رکود مواجه کرده؛ شرایطی که علاوه بر کاهش معاملات، رفتار مصرف‌کنندگان را نیز به سمت تعمیرو خرید کالی دست‌دوم سوق داده است. بررسی سه ضلع فروشنندگان، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نشان می‌دهد خروج از این وضعیت، نیازمند ثبات در سیاست‌گذاری، کاهش هزینه‌های تولید و تقویت قدرت خرید خانوارهاست.

بررسی این سه ضلع نشان می‌دهد که رکود بازار تنها نتیجه افزایش قیمت‌ها نیست، بلکه بی‌ثباتی اقتصادی و دشوارتر شدن شرایط خرید نیز در شکل‌گیری آن نقش دارد. در آخرین بخش این پرونده، مهم‌ترین دلایل این وضعیت و راهکارهای خروج از رکود، با تأکید بر حمایت هم‌زمان از تولید و مصرف‌کننده، بررسی می‌شود.

چرا بازار به این نقطه رسید؟

افزایش قیمت لوازم خانگی حاصل یک عامل مشخص نیست، بلکه از مجموعه‌ای از هزینه‌ها در زنجیره تولید و تأمین ناشی می‌شود. افزایش قیمت مواد اولیه، نوسانات نرخ ارز، هزینه تأمین قطعات، حمل‌ونقل، دستمزد و سایر هزینه‌های تولید، قیمت تمام‌شده محصولات را افزایش داده است. اگرچه صنعت لوازم خانگی در سال‌های اخیر به سمت افزایش داخلی‌سازی حرکت کرده، اما همچنان بخشی از مواد اولیه، قطعات و تجهیزات مورد نیاز آن تحت تأثیر شرایط ارزی و تجاری قرار دارد. به همین دلیل، تولید داخل نیز از افزایش هزینه‌های تأمین در امان نمانده است. در چنین شرایطی، افزایش قیمت تمام‌شده محصولات از یک سو و محدودیت قدرت خرید خانوارها از سوی دیگر، فاصله میان قیمت کالا و توان پرداخت مصرف‌کننده را بیشتر کرده است؛ فاصله‌ای که به کاهش معاملات و تشدید رکود در بازار منجر می‌شود.

مسئله فقط گرانی نیست

یکی از مشکلات اصلی بازار لوازم خانگی، علاوه بر افزایش قیمت‌ها، نبود ثبات و پیش‌بینی‌پذیری است. هنگامی که هزینه تأمین کالا در فاصله‌های کوتاه تغییر می‌کند، فروشنده برای جایگزینی کالای فروخته‌شده با هزینه‌ای مشخص با اطمینان کافی روبه‌رو نیست و مصرف‌کننده نیز نمی‌تواند با اطمینان درباره زمان خرید خود تصمیم بگیرد. در این وضعیت، بخشی از مشتریان خرید خود را به امید روشن‌تر شدن شرایط آینده به تعویق می‌اندازند. این انتظار، در کنار کاهش قدرت خرید، حجم معاملات را تحت فشار قرار می‌دهد و چرخه رکود را تقویت می‌کند. بنابراین، مسئله بازار تنها سطح قیمت‌ها نیست؛ بلکه ناتوانی فعالان بازار و خانوارها در پیش‌بینی شرایط پیش‌رو نیز بر تصمیم‌های اقتصادی آن‌ها اثر می‌گذارد.

تغییر رفتار مصرف‌کننده: از خرید کالی نو تا تعمیرو دست‌دوم

افزایش قیمت‌ها تنها حجم خرید را کاهش نداده، بلکه شیوه تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان را نیز تغییر داده است. بسیاری از خانوارها پیش از خرید کالای نو، گزینه‌هایی مانند تعمیر وسیله موجود یا خرید کالای کارکرده را بررسی می‌کنند تا هزینه‌های خود را کاهش دهند. این تغییر رفتار در مورد کالاهای ضروری مانند یخچال و ماشین لباسشویی اهمیت بیشتری دارد؛ کالاهایی که نبودن آن‌ها می‌تواند زندگی روزمره خانوار را مختل کند. در چنین شرایطی، تعمیری یا خرید کالای دست‌دوم برای برخی خانوارها به جایگزینی برای خرید کالای نو تبدیل می‌شود. این روند، از یک سو نشان‌دهنده تلاش خانوارها برای سازگاری با شرایط اقتصادی است و از سوی دیگر، ضرورت توجه به توان خرید مصرف‌کننده را در سیاست‌های مرتبط با صنعت لوازم خانگی برجسته می‌کند.

خرید اسطای: راهکاری که با موانع روبه‌روست

کاهش قدرت خرید، نیاز به روش‌های جایگزین پرداخت را افزایش داده، با این حال، خرید اسطای نیز در شرایط تورمی با محدودیت‌هایی مواجه است. مصرف‌کننده‌ای که توان پرداخت نقدی ندارد، ممکن است به خرید مدت‌دار روی بیاورد؛ اما فروشنده نیز در شرایط نوسان قیمت‌ها با این نگرانی روبه‌روست که مبلغ دریافتی در آینده، امکان جایگزینی کالای فروخته‌شده را فراهم نکند. از سوی دیگر، نبود دسترسی گسترده به اعتبار و تسهیلات متناسب با توان بازپرداخت خانوارها، مانع تبدیل بخشی از تقاضای موجود به خرید واقعی می‌شود. در نتیجه، توسعه خرید اعتباری می‌تواند یکی از ابزارهای کمک به بازار باشد؛ البته به شرط آنکه سازوکار آن به گونه‌ای طراحی شود که هم دسترسی مصرف‌کننده به کالا را تسهیل کند و هم فشار مالی و ریسک فروش را برای عرضه‌کنندگان افزایش ندهد.

برای خروج بازار از رکود چه باید کرد؟

بررسی چالش‌های بازار لوازم خانگی نشان می‌دهد که حل مشکلات این حوزه به مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ نیاز دارد و تمرکز صرف بر قیمت‌نهایی فروش، به‌تنهایی نمی‌تواند زمینه‌بازگشت رونق را فراهم کند.

یکی از نیازهای اصلی، شفافیت در زنجیره قیمت‌گذاری است تا مشخص باشد افزایش قیمت محصولات تا چه اندازه از هزینه مواد اولیه، قطعات، تولید، حمل‌ونقل و توزیع ناشی می‌شود. شفافیت در این بخش می‌تواند به نظارت موثرتر بر بازار و تشخیص دقیق تر عوامل افزایش قیمت کمک کند. در کنار آن، حمایت از تولید داخلی باید به کاهش هزینه‌های تولید، تسهیل تأمین مواد اولیه و قطعات، بهبود دسترسی تولیدکنندگان به نقدینگی و توسعه ظرفیت قطعه‌سازی داخلی معطوف شود. تقویت تولید زمانی می‌تواند به بهبود پایدار بازار منجر شود که علاوه بر حفظ توان فعالیت بنگاه‌ها، زمینه عرضه کالا با قیمت متناسب‌تر با قدرت خرید جامعه را نیز فراهم کند.

از سوی دیگر، توسعه نظام خرید اعتباری با مشارکت شبکه بانکی و طراحی تسهیلات متناسب با توان بازپرداخت خانوارها می‌تواند بخشی از تقاضای متوقف‌شده را به بازار بازگرداند. با این حال، اعتباردهی به مصرف‌کنندگان باید در کنار کنترل هزینه‌های تولید و ایجاد ثبات در بازار دنبال شود تا افزایش تقاضا به فشار قیمتی بیشتر منجر نشود. نقش دولت در بازار لوازم خانگی نباید به کنترل قیمت در مرحله فروش محدود شود. بخشی از مشکلات این بازار در مراحل ابتدایی زنجیره، از تأمین مواد اولیه و سیاست‌های ارزی گرفته تا هزینه‌های تولید و دسترسی به منابع مالی، شکل می‌گیرد و بدون توجه به این عوامل، کنترل قیمت نهایی به‌تنهایی نمی‌تواند مشکلات را برطرف کند. ایجاد ثبات در سیاست‌های اقتصادی، پرهیز از تصمیم‌های ناگهانی، تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به مواد اولیه، حمایت از تأمین مالی تولید و نظارت بر زنجیره تأمین و توزیع از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود شرایط بازار کمک کند. در کنار این اقدامات، دولت می‌تواند با همکاری شبکه بانکی و فعالان اقتصادی، زمینه توسعه ابزارهای خرید اعتباری را فراهم کند تا خانوارهایی که نیاز واقعی به خرید دارند، امکان دسترسی به کالاهای ضروری را با شرایط پرداخت متناسب‌تری پیدا کنند.

سه شنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۵ ۹ جمادی الاول ۱۴۴۸ ۲۰ October ۲۰۲۶ سال سوم شماره ۵۸۵

چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

مدیر مسئول: مهدی مهرپور



۴۰ درصد بنزین کشور بی‌هویت توزیع می‌شود؛

راه بستن حفره قاچاق بنزین چیست؟

گزارش

نزدیک به ۴۰ درصد بنزین توزیعی کشور از طریق کارت‌های آزاد جایگاه‌ها به خودروها می‌رسد؛ مسیری که به گفته کارشناسان، با حذف پیوند میان تراکنش سوخت‌گیری و هویت خودرو، نظارت بر مصرف را دشوار کرده و زمینه سوءاستفاده از سوخت پارانه‌ای را افزایش می‌دهد.

بررسی داده‌های شبکه هوشمند توزیع فرآورده‌های نفتی حاکی از آن است که نزدیک به ۴۰ درصد از بنزین توزیع‌شده در جایگاه‌های سوخت سراسر کشور، خارج از سازوکار کارت‌های هوشمند سوخت شخصی و از طریق کارت‌های آزاد یا اضطراری جایگاه‌داران به پاک خودروها تزریق می‌شود. این حجم عظیم که معادل روزانه ده‌ها میلیون لیتر سوخت پارانه‌ای است، به دلیل فقدان الصاق هویت خودرو و مالک به تراکنش مالی و فیزیکی، عملاً در یک فضای تاریک آماری جابه‌جا می‌شود.

سامانه‌ای که دوده هم پیش با هدف ایجاد انضباط، شفاف‌سازی مصرف و مهار هدررفت بنزین راه‌اندازی شد، امروز با پدیده‌ای روبه‌روست که فلسفه وجودی‌اش را از درون تهی می‌سازد؛ وضعیتی که به جای هدایت رفتار مصرف‌کننده به سمت شفافیت، بستر امنی برای نشت سرمایه‌های ملی، سوءاستفاده‌های سازمان‌یافته واسطه‌ها و نقد به دالان‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی به خارج از مرزها ایجاد کرده است.

تاریک‌خانه آماری: غفلت از ثبت هویت و پیمایش

اصلی‌ترین آسیب فنی و ساختاری مصرف سوخت با کارت جایگاه‌دار، از بین رفتن داده‌های منطاق است. در فرآیند سوخت‌گیری استاندارد با کارت شخصی، هر لیتر سوخت برداشت‌شده به یک شناسه یکتا شامل شماره پلاک خودرو، نوع کاربری، سوابق مصرف ماهانه و موقعیت جغرافیایی متصل می‌شود. جمعیت این داده‌ها در مرکز پردازش سامانه هوشمند، الگوهای نامتعارف را آشکار می‌سازد و به سیاست‌گذار امکان می‌دهد هرگونه تغییر ناگهانی در مصرف یا سوخت‌گیری مکرر در فواصل زمانی کوتاه را ردیابی کند. با این حال، هنگامی که کارت جایگاه‌دار در نازل کشیده می‌شود، این زنجیره نظارتی به طور کامل قطع می‌شود. برای سامانه فقط مشخص است که مقداری فرآورده از یک نازل مشخص در یک نقطه زمانی خارج شده اما اینکه این حجم سوخت وارد پاک یک خودروی سواری مجاز شده، به مخزن یک ترابزرانزیتی تزریق شده یا در قالب گالن و مشک‌های سوخت برای انتقال به مرز تخلیه شده، به کلی ناشناخته باقی می‌ماند.



۴۰ درصد بنزین کشور بی‌هویت توزیع می‌شود؛

در همین راستا علیرضا پاک‌سرشت، کارشناس و پژوهشگر حوزه اقتصاد انرژی در گفت‌وگویی اظهار داشت که ریشه اصلی چالش کنونی در شبکه توزیع، تبدیل شدن یک سازوکار استثنایی به رویه‌ای عادی و فراگیر است.

وی تصریح کرد که در طراحی اولیه سامانه هوشمند، کارت‌های جایگاه صرفاً به عنوان یک ابزار اضطراری برای افرادی در نظر گرفته شده بود که کارت خود را گم کرده، سهمیه اولیه آن‌ها به پایان رسیده بود یا مسافران بین‌شهری که با کمبود مقطعی سوخت روبه‌رو می‌شدند. پاک‌سرشت افزود در دسترس بودن نامحدود و بدون قیدوبند کارت‌های جایگاه در طول سسالیان اخیر باعث شد تا انگیزه مالکان برای همراه داشتن کارت شخصی به شدت کاهش یابد. این تساهل سیاستی و اجرایی سبب شد تا عملاً نزدیک به نیمی از بار توزیع روزانه بنزین کشور از نور نظارت هویتی خارج شود و حجم عظیمی از داده‌های حیاتی پایش رفتار ناوگان حمل‌ونقل از دسترس برنامه‌ریزان انرژی کنار برود.

از انحراف شبکه تا تغذیه سازمان‌یافته شبکه‌های قاچاق

توسعه بی‌ضابطه مصرف سوخت بی‌نام‌ونشان، شکاف عمیقی میان واقعیت مصرف ناوگان شهری و گزارش‌های رسمی شبکه توزیع ایجاد کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عمده تخلفات در جایگاه‌های توزیع سوخت، حول محور همین کارت‌های عمومی شکل می‌گیرد. در مناطق مرزی و استان‌های هم‌جوار با خطوط مرزی، اختلاف فاحش قیمت بنزین داخل با کشورهای همسایه انگیزه‌های سوداگرانه کم‌سابقه‌ای پدید آورده است. شبکه‌های غیررسمی با هماهنگی با اعمال فشار بر برخی اپراتورهای جایگاه، کارت‌های اضطراری را به ابزاری برای صدور فاکتورهای صوری و تخلیه روزانه سهمیه‌های کلان تبدیل می‌کنند. سوختی که روی کاغذ برای مصرف خودروهای عبوری ثبت شده، در عمل وارد وانت‌های دستک‌گاری‌شده یا لوله‌کشی‌های غیرمجاز حاشیه جایگاه‌ها می‌شود و به صورت کاروانی به آن‌سوی مرزها انتقال می‌یابد. پاک‌سرشت با اشاره به ایجاد مالی این رخداد بیان کرد که شکاف قیمتی میان بنزین پارانه‌ای و نرخ‌های آزاد منطقه‌ای، سودهای نامشروع نجومی تولیدی می‌کند که توان طمع‌ع و تخریب هر ساختار نظارتی سنتی را دارد. برای حقوقی مشخص هستند. بار حقوقی مشخص هستند. یار بیان داشت که اعمال در اجرای ماده‌های قانونی ناظر بر شفافیت زنجیره تأمین سوخت، مسئولیت مستقیم را متوجه دستگاه‌های ناظر و مجری می‌کند؛ چراکه حفظ اموال عمومی و نیروی انتظامی با داده ثبت اسناد و نیروی انتظامی می‌نماید است. معتمدی متذکر شد که دولت موظف است بستر فنی صدور سریع کارت‌های هوشمند سوخت، پیوند دادن پایگاه داده ثبت اسناد و نیروی انتظامی با سامانه سوخت و شفاف‌سازی تخصیص اعتبارات به جایگاه‌ها را به‌گونه‌ای سامان دهد که هیچ راه فراری برای عدم استفاده از کارت‌های شخصی باقی نماند.

پیامدهای اقتصادی حراج پنهان سوخت برای بودجه عمومی

از منظر اقتصاد کلان، تداوم این وضعیت هزینه‌های جبران‌ناپذیری بر تراز مالی کشور بار می‌کند. در شرایطی که پالایشگاه‌های داخلی برای تأمین نیاز بنزین با حداکثر ظرفیت کار می‌کنند و کشور در مقاطعی ناچار به واردات فرآورده یا استفاده از روش‌های گران‌قیمت تأمین سوخت می‌شود، هدررفت ده‌ها میلیون لیتر سوخت به دلیل سوءمدیریت در توزیع، فشار مضاعفی بر درآمدهای ارزی و منابع بودجه‌ای وارد می‌سازد. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد بار مالی ناشی از انحراف قاچاق بنزین آزاد، سهمی بزرگ‌تر از کل اعتبارات عمرانی برخی بخش‌های زیرساختی کشور دارد؛ هزینه‌ای پنهان که نه به بهبود معیشت طبقات محروم منجر می‌شود و نه بهره‌وری صنایع حمل‌ونقل را ارتقا می‌دهد، بلکه در عمل به شکل رانت خالص به جیب دلالان سرزیر می‌شود. کارشناسان معتقدند شفاف‌سازی ۴۰ درصد سوخت بی‌نام‌ونشان، علاوه بر مهار قاچاق، موجب واقعی‌تر شدن الگوهای مصرف و شناسایی دقیق ناوگان فرسوده و پرمصرف خواهد شد. در وضعیت موجود، بخش عمده‌ای از خودروهای تجاری یا پرترده به جای بهینه‌سازی فنی یا ارتکا به سهمیه‌ای مصوب، کمبودهای خود را از طریق کارت‌های آزاد جبران می‌کنند و هیچ انگیزه‌ای برای مدیریت مصرف در میان مالکان آن‌ها شکل نمی‌گیرد. این امر سبب شده تا میانگین مصرف بنزین در ناوگان داخلی تفاوت فاحشی با استانداردهای جهانی پیدا کند، بی‌آنکه داده‌های موجود اجازه دهند سیاست‌های تشویقی یا تنبیهی هدفمندی برای راندنگان تدوین و اعمال شود.

راهکارهای فنی و مدیریتی برای احیای سامانه هوشمند

رفع ناترازی داده‌ای و بازگرداندن انضباط به چرخه توزیع سوخت، مستلزم اتخاذ مجموعه‌ای از اقدامات ترکیبی، داده‌محور و بدون ایجاد التهاب اجتماعی است. کارشناسان تأکید دارند که حذف ناگهانی کارت‌های آزاد بدون تمهید مقدمات می‌تواند زمینه‌ساز تنش در جایگاه‌ها و سردرگمی مسافران شود. نخستین گام در این مسیر، کوتاه کردن زمان صدور و تحویل کارت‌های هوشمند شخصی توسط فراجا و شرکت و لاییش و پخش است تا هیچ شهروندی به دلیل تأخیر اداری ناچار به استفاده از کارت جایگاه نشود. در گام دوم، ایجاد سامانه‌های احراز هویت متصل به پلاک در لحظه سوخت‌گیری آزاد، نظیر اس‌ت‌ا‌م‌آ‌تی شماره پلاک یا اتصال کارت بانکی مالک خودرو به شناسه پلاک، می‌تواند پدیده‌ی هر لیتر مصرف آزاد را به یک هویت واقعی الصاق کند، حتی اگر از کارت فیزیکی سوخت استفاده نشود. علاوه بر این، تقویت ابزارهای پایش هوشمند بر بستر هوش مصنوعی و تحلیل کلان‌داده‌ها در شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی امری اجتناب‌ناپذیر است. الگوریتم‌های هوش تجاری می‌توانند تراکنش‌های نامتعارف جایگاه‌ها را در چند ثانیه شناسایی کنند و در صورت تکرار سوخت‌گیری‌های مشکوک روی یک نازل خاص، جریان سوخت آن نازل را به صورت خودکار مسدود سازند. پیوند زدن میزان کارمزد پرداختی به جایگاه‌داران با درصد استفاده مشتریان از کارت شخصی نیز می‌تواند انگیزه اقتصادی موثری برای مدیریت بهینه جایگاه‌ها پدید آورد و آن‌ها را از تسهیل سوخت‌گیری‌های بی‌نام‌ونشان بازدارد.

گذار از سامانه به انضباط آماری

حفره ۴۰ درصدی توزیع سوخت، نمادی از فرسایش تدریجی نظارت گراآمد در بخش توزیع انرژی است که تداوم آن با هیچ منطق اقتصادی و مدیریتی سازگاری ندارد. تجربه سال‌های اخیر اثبات کرده که هیچ برنامه‌ای برای مدیریت ناترازی بنزین، چه در قالب مدیریت تقاضا و چه در زمینه تأمین پایدار، بدون داشتن داده‌های شفاف و قابل اتکا به سرانجام نخواهد رسید. برنامه هفتم پیشرفت فرصتی طلایی و تکلیفی لازم‌الاجرا پیش روی دستگاه‌های اجرایی قرار داده تا با یستن منافذ بی‌هویتی در شبکه توزیع، سرمایه‌های ملی را از گزند تاراج گذشته در ناوگان حفظ کنند. از همین‌رو گذار از کارت‌های اضطراری به سمت انضباط کامل هویتی، نه یک انتخاب مدیریتی، بلکه ضرورتی حیاتی برای بازسازی شفافیت در اقتصاد انرژی کشور به شمار می‌رود.

دولت موظف است بستر فنی صدور سریع کارت‌های هوشمند سوخت، پیوند دادن پایگاه داده ثبت اسناد و نیروی انتظامی با سامانه سوخت و شفاف‌سازی تخصیص اعتبارات به جایگاه‌ها را به‌گونه‌ای سامان دهد که هیچ راه فراری برای عدم استفاده از کارت‌های شخصی باقی نماند

عرضه مستقیم محصولات کشاورزان به کارخانه‌ها ضروری است.

وی افزود: با استفاده از ظرفیت‌های تعاون روستایی و اتحادیه‌ها، باید زمینه عرضه مستقیم محصولات کشاورزان به صنایع فراهم شود و نقش دولت نیز به حمایت و هدایت محدود بر ماند. تجربه موفق سال گذشته در حوزه کلان‌دادن داد که اصلاح روند خرید می‌تواند میزان فروش محصول را در مقایسه با سال‌های گذشته بهبود بخشد.

عالمی ادامه داد: علاوه بر قیمت، سیاست‌های حمایتی در فرآیند خرید نقش کلیدی دارند. با وجود چالش‌هایی مانند محدودیت منابع بودجه‌ای که گاهی به تأخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان منجر می‌شود، تلاش‌ها برای اصلاح روند خرید دانه‌های روغنی ادامه دارد و استمرار این اقدامات می‌تواند شرایط بهتری برای تولید و عرضه فراهم کند. رئیس اتاق اصناف کشاورزی با اشاره به وابستگی بالای کشور به واردات روغن‌های روغنی گفت: به دنبال تغییر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها برای افزایش تولید و تحقق اهداف خودکفایی بوده‌ایم. با حذف ارز ترجیحی نیز، در صورت اجرای صحیح سیاست‌ها، می‌توان زمینه افزایش تولید دانه‌های روغنی در واحد سطح و در نتیجه افزایش تولید روغن در کشور را فراهم کرد.

با توجه به اهمیت کاهش وابستگی به واردات دانه‌های روغنی و روغن خام، انتظار می‌رود زیرساخت‌های لازم برای حمایت از تولید داخلی و اصلاح فرآیند خرید محصولات کشاورزی فراهم شود تا زمینه تحقق هدف خوداتکایی ۴۰ درصدی در تأمین روغن تا پایان برنامه هفتم فراهم شود.



حدود ۶۰۰ هزار تن بوده و در سایر سال‌ها نیز این رقم بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تن نوسان داشته است. بنابراین، افزایش ظرفیت تولید به ۵ میلیون تن در سال، نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت است. شریفی با اشاره به محدودیت‌های اقلیمی کشور اظهار کرد: با تدوین و اجرای برنامه‌ای دقیق و اصولی در یک بازه پنج‌ساله، شاید بتوان به تدریج به سمت برداشت سالانه ۵ میلیون تن دانه‌های روغنی حرکت کرد. تحقق این هدف با قیمت‌های امروز می‌تواند از خروج حداقل ۵۲۰٫۵ میلیارد دلار از از کشور جلوگیری کند.

اصلاح فرآیند خرید دانه‌های روغنی؛ راهکاری برای افزایش خوداتکایی

پیمان عالمی، رئیس اتاق اصناف کشاورزی، با تأکید بر ضرورت دستیابی به خوداتکایی در حوزه دانه‌های روغنی گفت: برای تحقق این هدف، فراتر از موضوع قیمت‌گذاری، اصلاح فرآیند خرید و

افغانستان، اتیوپی، نیجریه، بنگلادش و چاد مصرف کمتری نسبت به ایران دارند، کشورهای دیگری مانند اندونزی، مالزی، عربستان، برزیل و آمریکا سرانه مصرف بالاتری دارند؛ بنابراین، مصرف روغن در ایران در مقایسه با برخی از این کشورها به‌مراتب پایین‌تر است و نمی‌توان آن را غیرعادی دانست.

دبیر انجمن روغن نباتی در پاسخ به این پرسش مصرف روغن در ایران از میانگین جهانی بالاتر است، اشتباه بزرگی محسوب می‌شود. سرانه مصرف روغن در کشور حدود ۲۲ تا ۲۳ کیلوگرم است، اما بخشی از این میزان ممکن است به قاچاق معکوس یا مصارف صنف و صنعت اختصاص داشته باشد. اگر بازار را به‌طور کامل آزاد در نظر بگیریم، سرانه واقعی مصرف خانوار احتمالاً حدود ۲۰ کیلوگرم خواهد بود که در مقایسه با میانگین جهانی، رقم غیرعادی و بالایی نیست.

وی تصریح کرد: اگرچه برخی کشورها مانند